

تاریخ: ۱۴۰۱/۱۱/۱۵

آزادی، شعار مردم برای رهایی از استبداد

خاستگاه شعار آزادی برای مردم ایران، دستیابی به آزادی سیاسی بود که در انقلاب اسلامی توانستند آن را به ارمغان بیاورند؛ به این معنی که آزادی‌های جنسی و نامشروع در دوره پهلوی برای مردم فراهم بود اما با این وجود، میل و نیاز مردم از این جنس نبود، لذا مردم با وجود این نوع آزادی، دست به انقلاب زدند.

شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی تبلور اراده و خواست ملت ایران برای انقلاب بود.

مردم برای رهایی از استبداد، «آزادی» و برای رهایی از استعمار، «استقلال» و برای رهایی از سلطنت و رسیدن به اسلام، شعار «جمهوری اسلامی» را سر دادند. مردم از لگدمال شدن عزت و کرامت خویش به ستوه آمده بودند، برای مردم قابل پذیرش نبود که رهبران چند کشور بتوانند حاکم سیاسی آن‌ها را مشخص کنند و مردم حتی توان اعتراض را نداشته باشند و از طرف دیگر «امام خمینی» این حس کرامت و عزت را زنده کرد و به همین علت مردم با ایشان همراه شدند.

آزادی به معنای برهنگی مسئله انسان ایرانی نیست

آزادی در عین این که معنایی روشن دارد، اختلاف‌های معنایی زیادی در حول آن پدید آمده است، به طوری که در نظام فکر اسلامی و مارکسیستی و لیبرالیستی، آزادی معنایی متفاوت از معنایی مکاتب دیگر دارد.

فهمی که در نظام لیبرالی از آزادی می‌شود ناظر به آزادی در حوزه فردی است، لذا مسائلی از قبیل برهنگی و آزادی جنسی نتیجه فهم لیبرالی آزادی است؛ در حالی که این مسئله اساساً مسئله انسان ایرانی نیست.

تهاجم به فرهنگ ملتها از طریق تحمیل شاخص‌ها

مهم این است که ما دنبال آزادی «از چه چیزی» و آزادی «برای چه چیزی» هستیم و این مهم‌ترین سوال پیش روی ما در مقوله‌ی آزادی است.

آزادی مفهومی است که باید متناسب با زیست‌بوم و فرهنگ هر جامعه فهم شود و نمی‌توان فهمی غربی از آزادی را به جامعه مسلمان القا کرد؛ در واقع این انتقال یک مفهوم نیست بلکه تهاجم به فرهنگ یک ملت است که از طریق شاخص‌ها تحمیل می‌شود. غرب با تکیه بر قدرت رسانه، فهم غربی از مفهوم مدنظر را در اذهان همه ملل ایجاد می‌کند؛ در حالی که آن تلقی هیچ نسبتی را با فرهنگ و سنت و



زیست‌بوم آن جامعه ندارد. به طور مثال اینستاگرام شما را مجبور می‌کند تا به شکل خاصی کنش داشته باشید و اگر به آن شکل کنش نداشته باشید، نمی‌توانید دیده شوید. این نوعی از تحمیل‌گری فضای حاکم بر پلتفرم هاست که شما احساس می‌کنید در آن آزادانه مشغول فعالیت هستید اما اراده شما قید به امکان‌های آن موقعیت از پیش طراحی شده می‌خورد و گونه‌ای از آزادی برای شما بر ساخت می‌شود.

❖ ناتوانی نظام‌های مبتنی بر آزادی فردی در بحران‌ها

آزادی مطلق و بدون مرز در هیچ‌جای جهان قابل پذیرش نیست و در هر نظامی آزادی به نحوی مقید می‌شود، به طور مثال آزادی در برابر کشف علمی معنا ندارد؛ به این معنا که کسی یک اصل مسلم علمی را مبتنی بر اراده شخصی انکار کند و یا این‌که آزادی هیچ‌وقت با امنیت در تعارض نیست و همواره امنیت جامعه بر اراده فرد مقدم است، اما فهم صلاح و امنیت جامعه باید در یک منطق علمی و سازگار مشخص به وجود بیاید.

از جمله شاخص‌هایی که برای درک جایگاه آزادی اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد این است که حکومت‌ها بصورت واقعی همواره در چالش اراده و منفعت شخصی و منفعت عمومی قرار می‌گیرند، لذا در نگاه اسلامی منفعت جامعه بر فرد مقدم می‌شود، چون حتی صلاح یک فرد در گرو صلاح جامعه‌ایست که در آن زیست می‌کند.

❖ چالش جمهوری اسلامی، فقدان سامانه تبدیل ایده و آرمان به سبک زندگی

چالش اصلی جمهوری اسلامی در عدم احساس آزادی و تحقق شعار آن، فقدان «سامانه تبدیلی» است. بستری که آرمان‌ها، ایده‌ها و نظریه‌ها را به تکنولوژی و سبک زندگی و فضای زیست اجتماعی تبدیل کند. از این جهت علوم انسانی هم‌چنان مسئله‌ای حیاتی برای ماست، در حالی‌که دستگاه‌های متولی آن مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی و حوزه علمیه، به رغم اهمیت علوم انسانی به اولویت‌های دیگری پرداختند. نمی‌توان مدرن فکر کرد و در فضای مدرن زیست و اسلامی زندگی کرد، لذا به شدت محتاج بازتولید و ترجمان مفاهیم ارزشی در عینیت زندگی هستیم.